

نگاه ویژه

درآمد

خانواده یک واحد کوچک اجتماعی است که با پیمان ازدواج یک زن و مرد شکل می گیرد و با تولید و تکثیر فرزندان، توسعه و استحکام می یابد. جوامع بزرگ تر نیز از همین واحدهای کوچک تشکیل می شوند. بشر از آغاز، زندگی خانوادگی را به عنوان بهترین نوع زندگی برگزیده است و در همه ی زمان ها و مکان ها بدان پایبند بوده و هست. این نوع زندگی از امتیازات انسان محسوب می شود و فایده های گوناگونی دارد. از جمله این که زن و مرد

را از پریشانی، بی هدفی و

ولگردی نجات می دهد و به

خانواده وابسته و دلگرم می سازد. به این

ترتیب، آن ها از نعمت انس، مودت و

لذت جویی های مشروع زناشویی بهره مند

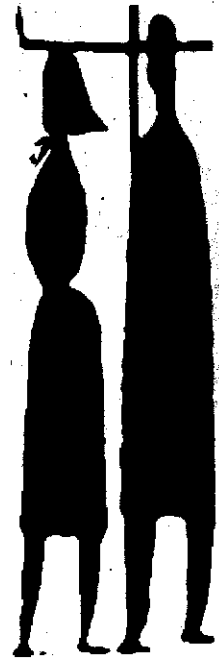
می شوند. در کانون گرم و باصفای خانواده، فرزندان

مشروعی رشد و نمو می کنند. پرورش فرزندان و انس با

آنان، یکی از بهترین لذت های زندگی است.

معصومه حسینی زاده مهدوی

تاریخ و متعادل
در خانواده های
اجتماعی، درآمد و ابیط



وابستگی کودکان، نوجوانان و جوانان به خانواده نیز فایده‌های زیادی دارد. موجب می‌شود که از ولگردی و انواع مفاسد اخلاقی و اجتماعی، انحرافات جنسی، ارتکاب جنایت و بزهکاری، و اعتیاد، به مقدار زیادی مصون بمانند. بنابراین، سلامت و سعادت جامعه تا حدود زیادی، به وضع خانواده‌ها و کیفیت روابط بین زن و شوهر، و والدین و فرزندان بستگی دارد. هرچه روابط بهتر و سالم‌تر باشد، زن و مرد زندگی شیرین‌تر و باصفاتری دارند و فرزندان‌شان نیز بیش‌تر به خانواده

وابسته می‌مانند و در برابر انحراف مصونیت پیدا می‌کنند.

خانواده در طول تاریخ در جوامع متفاوت وظایف متعددی را بر عهده داشته است. مهم‌ترین این وظایف که مانع از هم‌باشیدگی خانواده و گرایش آن به سوی آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد، طلاق و... می‌شود، به شرح زیر است:

۱. کارکرد زیستی، تولیدمثل و بقای نسل

وجود فرزندان در خانواده، موجب استحکام بنای خانواده می‌شود، رابطه‌ی زن و شوهر را انسجام بیش‌تری می‌بخشد و باعث گرمی کانون خانوادگی می‌شود. در مورد تعداد فرزندان خانواده در جوامع گوناگون نگرش‌های متفاوتی وجود داشته و دارد.

۲. پرورش و آموزش کودکان و نوجوانان

یکی از وظایف اساسی خانواده فراهم کردن محیط مساعد برای پرورش کودکان، و محیط خانه، محیط یاددهی و یادگیری از راه‌های متفاوت، به ویژه تقلید است. کودکان و نوجوانان قسمت عمده‌ای از عمر خود را در این محیط صرف می‌کنند و در فضای خانواده رشد می‌یابند. تحقیقات انجام شده در موارد اثربخشی خانواده در ایفای نقش تعلیمی و تربیتی خود مؤید این مطلب است که خانواده‌ها باید نقش خود را در این زمینه به خوبی ایفا کنند و بپذیرند که محیط گرم خانواده زمینه را برای رشد ابعاد گوناگون شخصیت کودکان مساعد می‌سازد و در سلامت جسم و روان، و تعادل وجود آنان مؤثر است. خانواده از نظر میراث بیولوژیکی و میراث اجتماعی، بر فرزندان تأثیر قابل ملاحظه‌ای دارد.

۳. ارضا و اقتناع میل جنسی

آدمی دارای غرایز و نیازهای متعدد و متفاوتی است که این نیازها و سائق‌ها، ستون‌های شخصیتی او را می‌سازند. ارضای به موقع و به‌اندازه‌ی آن‌ها، در سلامت جسم و روان وی تأثیر

قابل ملاحظه‌ای دارد. یکی از این نیازها، نیاز جنسی است. اساس خانواده که محور اصلی کلیه اجتماعات بشری محسوب می‌شود، بر غریزه‌ی جنسی مبتنی است. این غریزه خود کشش دلپذیری است که زن و مرد را به سوی ازدواج می‌کشاند و بقا و تداوم خانواده را تضمین می‌کند. در سایه‌ی ارضای آن، علاوه بر نیاز جسمانی، فرد از لحاظ اخلاقی، فکری و روانی به آرامش می‌رسد. عشق و تمنایی که در نهاد آدمی به ودیعه نهاده شده است، فعلیت می‌یابد و موجبات رشد و شکوفایی ابعاد دیگر آدمی فراهم می‌آید.

۴. تأمین امنیت جسمی و روحی اعضای خانواده

از وظایف مهم خانواده، تأمین امنیت جسمی و روحی برای هر یک از اعضای خانواده است تا از این طریق، سکون و آرامش افراد حاصل شود. نبود امنیت در خانواده برای زن، مرد یا فرزندان و ارضا نشدن نیازهای عاطفی آنان می‌تواند زمینه‌ساز سرخوردگی، اضطراب شدید، افسردگی، احساس بی‌کفایتی، انحرافات اخلاقی، افزایش جرم و جنایت، اعتیاد و خودکشی در جامعه شود.

ویژگی‌های خانواده‌ی متعادل

جنبه‌های ممتاز و برجسته‌ی خانواده‌ی متعادل کدام است و اصولاً بیان آن‌ها چه اثراتی را در بر دارد؟ خصوصیات خانواده‌ی متعادل را می‌توان در دو بعد بررسی کرد:

● در زمینه‌ی ارتباط با همسر

● در زمینه‌ی ارتباط با فرزند

اولین و مهم‌ترین تأثیر بیان خصوصیات مذکور، ارائه‌ی ضوابط روشن و متقن به منظور ارزیابی هر خانواده از حیث میزان تعادل و استحکام روابط درونی خویش است.

مناسبات با همسر، در خانواده‌ی متعادل

الگوهای حاکم بر مناسبات با همسر، بر چه مبانی و قواعدی استوار است؟ بررسی و تحلیل تجربه‌های موفق، و کندوکاو در روابط متقابل مرد و زن، عنوان‌های زیر را پیش روی ما قرار می‌دهد:

۱. بینش تکاپویی در برابر بینش جزئی (دگماتیک)

بینش را اگر به منزله‌ی طرز تلقی به خصوص، نحوه‌ی خاص برخورد با مسائل، و نوع ویژه‌ای از نگرستن به موضوعات در نظر بگیریم، تعیین‌کننده‌ی شیوه‌ها و خط‌مشی‌های زندگی ماست. بینش‌ها، روش‌ها را می‌آفرینند و تنظیم‌کننده‌ی روابط ما با جهان درون و جهان بیرون هستند. در خانواده‌ی متعادل، زن و مرد از بینش تکاملی و تحولی برخوردارند. این ویژگی، فرد را برمی‌انگیزد تا نقطه نظر ثابت و غیرقابل‌تغییری نسبت به زندگی و همسر خود اتخاذ کند. برای مثال، نگرش تحولی، روابط زندگی را پدیده‌ای بسته، جبری و گریزناپذیر نمی‌پندارد. بلکه آن را همچون جریان سیال و انعطاف‌پذیری تلقی می‌کند و برای دگرگونی آن، در خود

جسارت و جرأت اقدام می بیند.

۲. تبادل عاطفی در برابر انجماد عاطفی

از بهترین و پرشکوه ترین تجلیات زندگی متعادل، سرمایه گذاری انسانی یا دادوستد عاطفی بین هریک از زوج هاست. در هیچ مرحله ای از زندگی، نمی توان از عواطف احساس بی نیازی کرد. دادوستد عاطفی در دو زمینه قابل بررسی و مطالعه است:

● تبادل عاطفی در ابتدای زندگی

● تبادل عاطفی در ادامه ی زندگی

مشی عاطفی در آغاز ازدواج، با شور و حرارت خاصی، حضور وافر و مؤثری دارد. لیکن پس از مدتی، به لحاظ ناآگاهی و غفلت یکی از زوج ها یا هر دو، نبض زندگی کند می شود و عواطف سرشار و با حرارت، فروکش می کند. لحظه های ملال از راه می رسند و گله ها و شکوه ها، هر آن بر پیکره ی زندگی، تازیان می زنند. در نتیجه، زن و شوهر مستأصل و درمانده، متحیر می شوند که چرا زندگی به این مرحله تنزل کرده است. آن ها از این حقیقت غافلند که عاطفه به همان اندازه که برای یک شروع خوب ضروری است، برای ادامه ی زندگی خوب نیز لازم است.

۳. مثبت گرایی در برابر منفی گرایی

مثبت گرایی را می توان «هنر خوب دیدن» نامید که خود «هنر چگونگی دیدن» است. زمانی قابلیت خوب دیدن را کسب می کنیم که چشم هایمان را این گونه تربیت کنیم. شخصیت های بزرگوار و کریم النفس، آن چنان بر تمامی اعضا و جوارح خود تسلط دارند که هر طور بخواهند و اراده کنند، می بینند. از این رو، مقدمه ی «مثبت گرایی»، «مثبت نگری» است. ابتدا باید خوبی ها و جنبه های مثبت ها را دید و سپس بدان ها گرایید. اعضای خانواده ی متعادل با اتخاذ مثبت نگری و مثبت گرایی، در دو زمینه که شامل توجه به جنبه های خوب و برجسته ی زندگی به ویژه همسر است و نیز خویشتن داری از نگاه به نامحرم و کف نفس، یکی از عوامل موفقیت را احراز می کنند.

۴. تفاهم در برابر تخصص

اگر بتوانیم خود را در نقطه نظر همسرمان قرار دهیم، به گونه ای که نحوه ی تفکر و بینش او را نسبت به مسائل عیناً درک کنیم و از دیدگاه او به مسائل و دنیا بنگریم، به مرز تفاهم با همسر خود رسیده ایم. در چنین موقعیتی، رابطه ی حسنه به مفهوم عمیق آن بر زندگی ما سایه می افکند. موقعیت هایی که در آن ها، تفاهم به عنوان عاملی تعادل بخش حضور می یابد، دو گونه هستند:

● تفاهم در خلوت

● تفاهم در حضور دیگران

آنچه که در خلوت زندگی و فرصت های شخصی برای هریک از دو زوج فراهم می شود، حائز اهمیت اساسی است. زن و شوهر

باید برای لحظه هایی که دور از هیاهوی زندگی در کنار هم هستند، ارزش خاصی قائل شوند و این لحظه ها را «برای هم» و «با هم» باشند. تفاهمی که زاینده ی چنین فرصتی است، رشد می کند و در حضور دیگران به بار می نشیند. مبنای تفاهم در خلوت و در حضور یکدیگر، احساس ارزشی است که هریک برای شخص مقابل قائل است. با این زمینه مناسب، زوج ها فرصت می یابند که در حضور دیگران، تفاهم خود را حفظ، و حتی با جدیت خاصی، حریم یکدیگر را مراعات کنند. به ویژه زمانی که همسرشان به ایراد مطالبی مناسب در حضور جمع می پردازد، هم فکری و هم دلی خود را با علامت تصدیق و تأیید ابراز دارند و مطالب بی جا و غیر ضروری او را با سکوت و پیشنهاد خویش، به مسیر گفت و گوهای ثمربخش و سازنده بازگردانند. بدترین همسران، آن هایی هستند که بلافاصله اثر سخن همسرشان را در دیگران خنثا می کنند.

۵. هم گرایی در برابر واگرایی

یکی از عوامل تعیین کننده ی موفقیت و شکست در زندگی، نحوه ی مدیریت کانون خانواده است. چنانچه خانواده به صورت یک حوزه ی متشکل، وحدت یافته و منظم اداره شود، تصمیمات، اندیشه ها، و کنش ها به سوی یک کانون جهت می یابند و مرکزیت مقتدر و متحدی به وجود می آید. زن و شوهر در این کانون در کنار یکدیگر قرار می گیرند و به مرور زمان، قطب واحدی در تصمیم گیری و هدایت زندگی شکل می گیرد. چنین کیفیتی «هم کنشی» و یا «هم گرایی» نام دارد و از طریق آن، خط مشی خانواده برای حال و آینده، روشن و مشخص می شود و الگوی مطلوبی برای تنظیم مناسبات هر کدام از زوج ها فراهم می آید. در این جا اصطلاحاً هم گرایی را مترادف با هماهنگی و واگرایی را مترادف با ناهماهنگی آورده ایم.

۶. رفاقت در برابر لجاجت

روح حاکم بر خانواده ی «هم گرا» صمیمیت، یکدلی، یکرنگی و در یک کلمه «رفاقت» است. و جو غالب بر خانواده ی «واگرا» بیگانگی، فاصله ی عاطفی و در یک کلمه «لجاجت» است. هم گرایی در خانواده ی متعادل، حوزه ی وحدت یافته ای را می آفریند که بستر مساعدی برای شکوفایی و خلاقیت اعضای خانواده است. واگرایی به نوبه ی خود طرحی از خانواده را درمی افکند که همچون دو حوزه ی جداگانه، شاهد به هدر رفتن ارزش های زندگی است که صرف اصطحکاک و تقابل می شود. اولین نام برای تحصیل روحیه ی رفاقت در زندگی مشترک، پذیرش همسر است. آن هایی که همسرشان را آن گونه که «هست» می پذیرند، نه آن چنان که «می خواهند باشد»، به این مرحله ی ارزشمند نائل می شوند که دوستی و رفاقت در روابط متقابلشان موج می زند.

۷. منطوق در برابر زور

تبادل در زندگی مشترک زمانی برقرار می شود که روابط متقابل بر پایه های عقلانی استوار باشد. آدمی به دلیل حب نفس (خوددوستی)، پیوسته به جانب منافع شخصی گرایش دارد و سیاست جلب منفعت و دفع ضرر را بر خط مشی های دیگر ترجیح می دهد. چنین نگرشی در زندگی دوران تجرد تا حدودی عملی و امکانپذیر است، ولی در زندگی مشترک، به لحاظ پیدایش روابط و مناسبات جدید، سلیقه های شخصی زن و شوهر در تقابل با یکدیگر قرار می گیرند؛ چون هریک از دریچه ی منفعت شخصی به زندگی می نگرد و ترجیحات او، از انواع نفسانی است تا عقلانی.

۸. شادکامی در برابر تلخ کامی

در این جا سخن از مهم ترین عامل تعادل در خانواده، یعنی مسرت زندگی و خوش رویی است که گویی تمام جنبه های حیات انسانی را در خود متبلور می کند. روابط اجتماعی، مشحون از تبادلات روحی و عاطفی میان انسان هاست. باید پذیریم که در خلأ زندگی نمی کنیم و ناگزیر از زندگی در جمع هستیم. هر نوع حالت روحی ما، اعم از شادی و غم، خواه ناخواه تأثیرات فوری و شخصی بر اطرافیان ما بر جای می گذارد. از این رو، انتخاب نوع تأثیر بر دیگران، بر عهده ی خود ماست. این که علاقه مند باشیم بر دیگران تأثیر مثبتی بگذاریم، یا دیگران خاطره ی نامطلوبی از ما در ذهن داشته باشند، بستگی به نوع گزینش ما دارد. هر نوع عاطفه اعم از شادکامی و یا تلخ کامی ما، بر همسر اثر تعیین کننده و مشخصی بر جای می گذارد. ما خود نیز از تأثیرات مسلم و انکارناپذیر روحیه ی همسرمان برکنار نیستیم. روحیات زن و شوهر به مثابه ظروف مرتبط عمل می کنند.

۹. آگاهی در برابر ناآگاهی

از آفت هایی که هر خانواده را تهدید می کند، رشد خواسته ها و انتظارات زوج ها از یکدیگر است؛ به گونه ای که این قبیل توقعات به مرزی غیرمنطقی می رسند و با مطرح شدن آن ها، آرامش به زندگی به هم می ریزد. نقطه ی بحران در زندگی زمانی فرا می رسد که انتظارات غیرمنطقی و تأمین نشده روی هم انباشته می شوند، آستانه ی مقاومت زن و شوهر به تدریج کاهش می یابد و در یک لحظه ی غیرقابل پیش بینی، درگیری به وجود می آید. خانواده های متعادل با تنظیم و تدوین انتظارات و توقعات، راه را بر ورود هر عامل تفرقه و تزلزل در زندگی سد می کنند، خواسته ها را در قالب بایسته ها می ریزند و روح تفاهم و هم دلی را در زندگی تسری می بخشند. این مهم هنگامی مقدور است که زن و شوهر از حقوق خود و همسرشان به خوبی و وضوح آگاهی یابند.

۱۰. بزرگ منشی در برابر کودک منشی

زوج ها بیش از هر مجموعه ی انسانی دیگری که تصور شود، باید از بزرگ منشی نسبت به یکدیگر برخوردار باشند. از لوازم بزرگ منشی، گذشت، عفو و تعامل با اطرافیان، به ویژه همسر است. نقطه ی مقابل چنین خصیصه ای، روش مقابله به مثل، شتابزدگی در انتقام و سیاست ضربه در برابر ضربه است که تحت عنوان «کودک منشی» از آن یاد می کنیم.

منابع

۱. احدی، حسن و جمهوری، فرهاد. روان شناسی رشد. انتشارات پردیس. تهران. ۱۳۸۰.
۲. ارونسون، الیوت. روان شناسی اجتماعی. ترجمه ی دکتر حسین شکرکن. انتشارات رشد. تهران. ۱۳۸۴.
۳. اتکینسون و دیگران. زمینه ی روان شناسی (ج ۲). ترجمه ی دکتر محمدتقی براعتی و دیگران. انتشارات رشد. تهران. ۱۳۸۱.
۴. شیخی، دکتر محمدتقی. تحلیل و کاربرد جمعیت شناسی. انتشارات اشراقی. تهران. ۱۳۷۸.
۵. کوئن، بروس. درآمدی به جامعه شناسی. انتشارات توتیا. تهران. ۱۳۷۵.
۶. گلن، دانیل. هوش هیجانی. ترجمه ی نسرتین پارسا. انتشارات رشد. تهران. ۱۳۸۳.
۷. گیندنر، آنتونی. جامعه شناسی. ترجمه ی منوچهر صبوری. نشر نی. تهران. ۱۳۷۸.
۸. هیلز، دانیل. رهنمودهای سلامت از زیستن (ج ۱). ترجمه ی دکتر الهه میرزایی و دیگران. انتشارات فروردین. تهران. ۱۳۷۶.

